



## بررسی تاثیر روانشناسی محیطی در طراحی مدرسه ابتدایی

زهرا طاهری

کارشناسی علوم تربیتی

### چکیده

یادگیری، بخش مرکزی زندگی انسان‌ها است. انسان‌ها در تمام لحظات زندگی خود در حال دریافت پیام‌های حاوی اطلاعات از محیط اطراف خود و یادگیری آنها می‌باشند. با این تفکر که رفتار در خلا رخ نمی‌دهد. پس رفتار انسان‌ها مرتبط با محیط کالبدی و عناصر است. در این میان معماری، هنری است که دنیا را احاطه کرده است و انسان‌ها بیش از آن که برفضا تاثیر بگذارند، از آن تاثیر می‌پذیرند. در محیط‌هایی که خصوصا برای آموزش، طراحی می‌شوند این تاثیر باید در نقطه عطف توجه طراحان قرار گیرد و با مطالعه الگوهای رفتاری دانش‌آموزان، جزئیات و ویژگی‌های محیطی موثر بر حواس آنها طراحی شوند با توجه به نظریه‌های روانشناسی در مورد اهمیت دوران کودکی به عنوان یکی از مهمترین دوران‌های زندگی انسان، بحث و بررسی را برای طراحی مدرسه ابتدایی در این مقاله می‌طلبید. اکنون این سوال به ذهن می‌رسد که مدرسه‌ای اگر برطبق اصول روانشناسی محیطی طراحی شود چه ویژگی‌های فیزیکی، معماری و راهبردهایی را برای ارتقا کیفیت مدارس می‌تواند داشته باشد؟ حال هدف این پژوهش بررسی نوع طراحی مدرسه ابتدایی با توجه به معیارهای روانشناسی محیطی در راستای افزایش میزان علاقه مند سازی دانش‌آموزان به تحصیل و در نتیجه تضمین آینده جوامع بشری از لحاظ سطح علمی می‌باشد. در این پژوهش برای به دست آوردن اطلاعات از مطالعه کتابخانه‌ای و از مقالات منتشر شده در سایت‌های معتبر درباره دیدگاه نوین طراحی محیط‌های آموزشی به ویژه مقطع ابتدایی که از اهمیت ویژه‌ای در آموزش برخوردار است استفاده شده است.

کلمات کلیدی: تاثیرات روانشناسی، طراحی مدرسه ابتدایی، روانشناسی محیطی، روانشناسی در طراحی

### ۱- رشته روانشناسی محیطی و فضای آموزشی

رفتار انسان‌ها با محیط کالبدی ارتباط تنگاتنگی دارد. آنچه روانشناسی محیطی را از سایر شاخه‌های روانشناسی مجزا می‌سازد، همانا بررسی ارتباط رفتارهای متکی بر روان انسان و محیط کالبدی است؛ لذا توجه طراحان به بررسی روانشناختی فضاهای طراحی شده پیوندی ناگسستنی بین روانشناسان محیطی و آنها ایجاد کرده است. روانشناسان محیطی نیز خود را ملزم به پژوهش در رفتار انسان در محیط روزمره اش ساخته‌اند تا بتوانند تاثیرات محیط کالبدی را به گونه‌ای مستقیم و یا غیر مستقیم بر رفتار انسان بررسی نمایند (مطلبی، ۱۳۸۰). انسان با توجه به نیازها و هدف‌های خود، محیط را دگرگون می‌کند و بطور متقابل تحت تاثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد (مرتضوی، ۱۳۸۰؛ عزیزیان و دیگران، ۱۳۹۳)